



Woman in Development and Politics

Conceptualizing the Components of the Women's Businesses Sustainability Model in Behbahan County

Fatemeh Alinejad¹ | Morteza Akbari² | Nematollah Shiri³

1. M.A. Student, Department of Business Creation, Faculty of Entrepreneurship, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: alinejadhadis@gmail.com
2. Associate Professor, Department of Technological Entrepreneurship, Faculty of Entrepreneurship, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: mortezaakbari@ut.ac.ir
3. Corresponding Author, Assistant Professor, Department of Entrepreneurship and Rural Development, Ilam University, Ilam, Iran. E-mail: n.shiri@ilam.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 15 March 2022

Received in revised form: 27

August 2022

Accepted: 8 October 2022

Published online: 23 September 2023

Keywords:

Women Business,
Sustainable Entrepreneurship,
Sustainable Business,
Women Entrepreneurs.

ABSTRACT

Considering that women as half of the population in different societies, have a prominent role in the development of economic activities, therefore, it is necessary to provide mechanisms to improve their role in the development of entrepreneurship and business. The review of the research literature regarding the sustainability of women's businesses and the factors affecting it shows the fact that, firstly, coherent studies have not been conducted regarding the identification of the factors affecting the sustainability of women's businesses at the international level in general, at the national and local levels in particular, and secondly, the sustainability of women's businesses in Different regions are affected by different factors and the results of one region or sector cannot be generalized to the sustainability of women's businesses in other regions. Therefore, to analyze and conceptualize the sustainability model of women's businesses in Behbahan County, the present research seeks to identify the causal, contextual and intervening factors affecting the sustainability of women's businesses in Behbahan County. Also, the researchers seek to investigate the views and experiences of women business owners in Behbahan County, while identifying strategies and solutions to promote the sustainability of women's businesses in this region, and also identify and analyze the consequences of the development of women's sustainable businesses. Hence, the purpose of this study was to conceptualize the components of the women's businesses sustainability model in Behbahan County. In the present research, the qualitative paradigm and grounded theory method were used. For this purpose, the list of business women was received from various centers such as the governorate, technical and professional centers, Jihad Agriculture Organization and Industry, Mining and Trade Organization in Behbahan County. Using the snowball method, in-depth individual interviews were conducted with 21 businesswoman in Behbahan County, which finally resulted in theoretical saturation as a sufficient sampling point. Data analysis was performed using open, axial and selective coding processes. In the current research, the criteria of believability, reliability, confirmability and transferability were used to confirm the findings. The results showed that factors such as market knowledge, family conditions, personal and personality traits, economic factors, education, supportive policies and environmental turbulence are influential in the sustainability of women's businesses in Behbahan County. Based on the results of this study, providing business education to women, adopting government support policies and creating a culture to support women's businesses were the strategies for developing the sustainability of women's businesses in Behbahan County. Findings indicated that reducing injuries and social problems, empowering women and increasing social welfare are the consequences of the sustainability of women's businesses in Behbahan County. Based on the results of the current research, the main components of the sustainability model of women's businesses were categorized into causal conditions, contextual factors, intervening factors, phenomena, strategies and consequences. Therefore, the results of the current research have appropriate theoretical and practical implications in the field of sustainability of women's businesses. In terms of the theoretical implications of this research, it filled the existing study gap regarding the dimensions of the sustainability model of women's businesses, and researchers in future studies can use this model as a robust framework for analyzing sustainability in women's businesses. In terms of practical implications, government and educational policymakers can take advantage of the results of this research in order to develop programs and solutions for stabilizing women's businesses.

Cite this article: Alinejad, F., Akbari, M., & Shiri, N. (2023). Conceptualizing the Components of the Women's Businesses Sustainability Model in Behbahan County. *Women in Development and Politics*, 21(3), 717-741. DOI: <https://doi.org/10.22059/JWDP.2022.340568.1008184>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/JWDP.2022.340568.1008184>



انتشارات دانشگاه تهران

زن در توسعه و سیاست

مفهوم‌سازی مؤلفه‌های مدل پایداری کسب‌وکارهای زنان در شهرستان بهبهان

فاطمه علی‌نژاد^۱ مرتضی اکبری^۲ نعمت‌اله شیری^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، کسب‌وکار جدید، دانشکده کارآفرینی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: alinejadhadis@gmail.com

۲. دانشیار گروه کارآفرینی فناورانه، دانشکده کارآفرینی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: mortezaakbari@ut.ac.ir

۳. نویسنده مسئول، استادیار گروه کارآفرینی و توسعه روستایی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران. رایانامه: n.shiri@ilam.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲۴</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۶/۰۵</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۱۶</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۷/۰۱</p> <p>کلیدواژه‌ها: کسب‌وکار زنان، کارآفرینی پایدار، کسب‌وکارهای پایدار، زنان کارآفرین.</p>	<p>زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت، نقش بارزی در توسعه فعالیت‌های اقتصادی دارند؛ بنابراین باید در جهت ارائه سازوکارهایی برای تقویت نقش آنان در جامعه اقدام کرد. پژوهش حاضر با هدف مفهوم‌سازی مؤلفه‌های مدل پایداری کسب‌وکارهای زنان در شهرستان بهبهان انجام گرفت. در این مطالعه، از پارادایم کیفی و روش نظریه بنیانی بهره گرفته شد. برای این منظور، فهرست زنان دارای کسب‌وکار از مراکز مختلف مانند فرمانداری، مراکز فنی‌و حرفه‌ای، سازمان جهاد کشاورزی و سازمان صنعت، معدن و تجارت دریافت شد. با استفاده از روش گلوله‌برفی، با ۲۱ نفر از زنان دارای کسب‌وکار در شهرستان بهبهان، مصاحبه‌های عمیق انفرادی انجام گرفت و در نهایت، اشباع نظری به‌عنوان نقطه کفایت نمونه‌گیری حاصل شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از فرایند کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام گرفت. نتایج نشان داد عواملی مانند دانش بازار، شرایط خانوادگی، ویژگی‌های فردی و شخصیتی، عامل اقتصادی، آموزش، سیاست‌های حمایتی، بحران‌های اقتصادی و تلاطم‌های محیطی، بر پایداری کسب‌وکارهای زنان در شهرستان بهبهان مؤثر است. بر مبنای نتایج این مطالعه، ارائه آموزش‌های کسب‌وکار به زنان، اتخاذ سیاست‌های حمایتی دولت و فرهنگ‌سازی در راستای حمایت از کسب‌وکارهای زنان، راهبردهای توسعه پایداری کسب‌وکارهای زنان در شهرستان بهبهان بودند. یافته‌ها بیانگر آن بود که کاهش آسیب‌ها و مشکلات اجتماعی، توانمندسازی زنان و افزایش رفاه اجتماعی، از پیامدهای پایداری کسب‌وکارهای زنان در شهرستان بهبهان به‌شمار می‌رود. یافته‌های این پژوهش، ضمن پرکردن شکاف مطالعاتی در خصوص ابعاد مدل پایداری کسب‌وکارهای زنان، چارچوبی قوی برای تحلیل پایداری کسب‌وکارهای زنان ارائه می‌کند.</p>

استناد: علی‌نژاد، فاطمه، اکبری، مرتضی و شیر، نعمت‌اله (۱۴۰۲). مفهوم‌سازی مؤلفه‌های مدل پایداری کسب‌وکارهای زنان در شهرستان بهبهان. زن در توسعه و

سیاست، ۳(۳)، ۷۴۱-۷۱۷. DOI: <https://doi.org/10.22059/JWDP.2022.340568.1008184>

DOI: <https://doi.org/10.22059/JWDP.2022.340568.1008184>



© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

علی‌رغم آنکه فرهنگ تجارت در جهان غالباً شامل مردان است، این امر به معنای آن نبوده که زنان فعالیت اقتصادی ندارند، بلکه امروزه تعداد زنان کارآفرین و دارای کسب‌وکار به سرعت در حال افزایش است (Robinson, 2007; Bijani, Mohaadi Mehr & Shiri, 2022). به بیان روشن، زنان را می‌توان طلایه‌داران رشد اقتصادی نامید (Karamat, Abbasi & Fallah, 2022)؛ به‌گونه‌ای که در بسیاری از کشورهای دارای اقتصاد شکوفا، از کارآفرینی و کسب‌وکار زنان به‌عنوان یک راهبرد کارآمد و مؤثر برای مقابله با فقر و بیکاری یاد می‌شود (Ge, 2022). طبق مطالعات انجام‌شده در فنلاند، حدود ۵۰ درصد از نیروی کار این کشور را زنان تشکیل می‌دهد. در این راستا، کشورهای صنعتی پیشرفته از ده‌ها سال قبل به نقش زنان خلاق و مبتکر پی برده‌اند. آنان معتقدند از طریق آموزش و اهمیت دادن به زنان خلاق و ریسک‌پذیر و همچنین با ازبین بردن موانع کسب‌وکار زنان و پایداری کسب‌وکارهای آنان می‌توان با سرعت بیشتری مسیر رشد و توسعه اقتصادی را طی کرد (Niazkar & Review, 2011). ناگفته نماند کشورهای در حال توسعه مانند عربستان سعودی نیز به اهمیت موضوع پی برده‌اند و از سرفصل‌های مؤکد چشم‌انداز ۲۰۳۰ این کشور، کسب‌وکار زنان و توانمندسازی آنان است (Alessa, 2022). متأسفانه در ایران به کارآفرینی و کسب‌وکار زنان توجه چندانی نشده است (Shiri et al., 2022). این در حالی است که مطالعات نشان می‌دهد کسب‌وکارهای زنان، حداقل سه پیامد مثبت دارد که عبارت‌اند از: توسعه توانمندی زنان، رشد اقتصادی و تعادل اجتماعی (Wube, 2010).

در سال‌های اخیر، همگرایی افکار در سراسر جهان در درون محافل تجاری و دولتی وجود داشته است که اقتصاد از مهم‌ترین محرک‌ها برای پایداری در کسب‌وکارها است. برخی از کسب‌وکارها در مراحل مختلف با شکست مواجه می‌شوند؛ زیرا نتوانسته‌اند پایداری کسب‌وکارشان را حفظ کنند و ممکن است فعالیتشان را از دست بدهند. مفهوم پایداری به بقای طولانی‌مدت کسب‌وکار مربوط است و بنابراین، مدیران باید به اهمیت تأثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی در بقای کسب‌وکارشان پی ببرند. آنچه صاحبان کسب‌وکار و مدیران نیازمند به آن هستند، این است که بدانند چه عواملی سبب عدم پایداری و تضعیف توان کسب‌وکارشان می‌شود. همچنین برای پایداری ماندن کسب‌وکار چه عواملی را باید رصد کنند و زیر نظر داشته باشند (Doane & Macgillivray, 2001). در راستای آنچه گفته شد، در سال‌های اخیر، زنان ایرانی نیز به توسعه کسب‌وکار و سهم‌شدن در رشد و توسعه کشور علاقه‌مند شده‌اند. این در حالی است که استفاده بهینه و کارآمد از حضور و مشارکت زنان کارآفرین در ایران صورت نگرفته است؛ به‌گونه‌ای که آمار و ارقام حاکی از کم‌بودن میزان مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی کارآفرینانه است (Shiri et al., 2022).

شهرستان بهبهان با جمعیت ۲۰۰ هزار نفر، یکی از شهرهای پرجمعیت استان خوزستان است. از این جمعیت، ۸۸،۷۰۴ نفر را زنان تشکیل می‌دهند که درصد زیادی از آنان زنان دانش‌آموخته دارای صلاحیت هستند. این در حالی است که همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، نرخ مشارکت اقتصادی آنان اندک است. از این‌رو، در جهت حمایت و تشویق آنان به ایجاد و توسعه کسب‌وکار، باید شناخت کاملی از عوامل مؤثر بر پایداری کسب‌وکار زنان حاصل شود. در این راستا، پژوهش حاضر به دنبال شناسایی و مفهوم‌سازی مؤلفه‌های مدل پایداری کسب‌وکارهای زنان در شهرستان بهبهان است.

۲. پیشینه پژوهش

پایداری، ترکیبی از عوامل محیط‌زیستی، اجتماعی و اقتصادی است و عوامل اقتصادی، گریزان‌ترین عامل در پایداری به‌شمار می‌روند. مدیریت پایداری با هریک از عوامل محیط‌زیستی، اجتماعی و اقتصادی شروع شود، می‌تواند به بسیاری از کسب‌وکارها و بنگاه‌های اقتصادی کمک کند تا در جهت دستیابی به اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت حرکت کنند (Doane & Macgillivray, 2001). البته امروزه کسب‌وکارهای پویا به دنبال اتحاد و تقویت هم‌زمان هر سه عنصر اقتصادی، اجتماعی و محیطی هستند و پایداری را راهبردی کلیدی قلمداد می‌کنند؛ بنابراین مدیران کسب‌وکارها منابع و تلاش‌های مختلفی به ادغام پایداری با کسب‌وکارشان تخصیص داده‌اند (Arevalo, 2011). بیش از ۹۳ درصد از صاحبان کسب‌وکار در جهان به دنبال عوامل پایداری در کسب‌وکار هستند و پایداری را مهم‌ترین عامل موفقیت در کسب‌وکارشان می‌دانند، اما فقط ۳۸ درصد صاحبان کسب‌وکار و مدیران قادرند برنامه‌های پایداری خود را تجزیه و تحلیل و ارزیابی کنند (Mass et al., 2016). پژوهشگران دانشگاه آکسفورد دریافته‌اند عوامل متنوعی مانند عوامل اقتصادی، اجتماعی و حاکمیت سازمانی، در پایداری کسب‌وکارها دخالت دارد. درواقع، پایداری کسب‌وکار به جنبه‌های مختلفی از کسب‌وکار مانند زنجیره ارزش، مدل‌های اقتصادی و... توجه می‌کند تا درنهایت بتواند در جهت اهداف و نیازهای مشتریان عمل کند (Bocken et al., 2014).

ورکیانی‌پور و اشرفی (۲۰۲۰) در مطالعه «مدلسازی کارآفرینی زنان شهری براساس زنجیره ارزش کارآفرینی با رویکرد توسعه پایدار اجتماعی در استان گلستان» به این نتیجه رسیدند که در استان گلستان، زنان کارآفرین شهری فقط از طریق ارتباط با دوستان نزدیک مجرب و قابل‌اعتماد، حمایت شبکه‌ای دریافت می‌کنند و ارتباط با مشاوران تخصصی، عضویت در انجمن‌های تجاری و تخصصی زنان (شبکه ثانویه) بسیار اندک است. این مطلب نشان‌دهنده آن است که سایر عوامل شبکه‌ای در نظر گرفته شده در این بررسی برای زنان گلستانی، موجودیت واقعی خود را نیافته‌اند یا

به‌علت مسئولیت‌های متعدد در انجام وظایف خانه و بیرون از خانه و کمبود وقت، امکان استفاده از انجمن‌ها و سازمان‌های تخصصی موجود ولو اندک را ندارند. همچنین نتایج این مطالعه نشان داد شرایط محیطی کشور، اعم از وضعیت سیاسی، فرهنگی و فناورانه، در توسعه کارآفرینی زنان مؤثر است. مطابق یافته‌ها، در استان گلستان، فرهنگ رسمی به‌ویژه در بخش آموزش جامعه و آموزش‌های رسمی در سال‌های اخیر، نقش بسزایی در توسعه کسب‌وکار و کارآفرینی زنان داشته است، اما فرهنگ غیررسمی استان، نه‌تنها امکان رشد کسب‌وکار را برای زنان گلستانی فراهم نمی‌کند، بلکه مانعی جدی برای آنان محسوب می‌شود.

در مطالعه حسینی‌نیا و همکاران (۲۰۱۴) در سنجش عوامل مؤثر بر عملکرد کسب‌وکارهای زنان کارآفرین در روستاهای شهرستان میانه، نتایج نشان داد ویژگی‌های شخصیتی زنان، انگیزه‌های افراد و آموزش مهارت، با پایداری کسب‌وکارهای آنان رابطه‌ای مستقیم دارد. جمینی و همکاران (۲۰۱۵) در بررسی و شناسایی عوامل بازدارنده و پیش‌برنده در توسعه کارآفرینی زنان روستای شهرستان روانسر، به این نتیجه رسیدند که از نظر زنان روستایی شهرستان روانسر، مهم‌ترین عواملی که در توسعه کارآفرینی مؤثر واقع می‌شوند به ترتیب عبارت‌اند از: عامل اقتصادی، محیطی، فردی، مدیریتی، اجتماعی-فرهنگی، زیرساختی، آموزشی ترویجی و فنی. همچنین شش عامل اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، روان‌شناختی، سیاست‌گذاری، فنی-آموزشی و زیرساختی با تبیین حدود ۵۸ درصد واریانس، موانع بازدارنده توسعه کارآفرینی زنان روستایی شهرستان روانسر شناخته شده‌اند. رفیعی و همکاران (۲۰۲۰) زمینه‌های توسعه کارآفرینی را از دیدگاه زنان کارآفرین استان گیلان مطالعه کردند و به این نتیجه رسیدند که زمینه‌های فرهنگی (سطح تحصیلات، شرکت در کارگاه‌ها، دریافت مشاوره از انجمن‌های تخصصی، شرکت در دوره‌های کارآفرینی، مشاوره با سایر کارآفرینان) و اجتماعی (حمایت خانواده، حمایت سایر گروه‌ها، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، نگرش خانواده، نگرش عمومی به کارآفرینی محیط زندگی، الگوپذیری، گرایش عمومی به کارآفرینی، عضویت در انجمن‌های کارآفرینی، عضویت در گروه‌های کارآفرینی رسمی و غیررسمی و اعتماد اجتماعی) بر توسعه کارآفرینی زنان تأثیرگذارند.

پژوهش سالونه و همکاران (۲۰۲۰) با عنوان «بررسی راهبردهای رشد بازار و کسب‌وکارهای کوچک و متوسط زنان ایرانی» مشخص کرد بقای شرکت‌های کوچک اساساً به قدرت آن‌ها برای حضور در بازار با سایر شرکت‌های بزرگ بستگی دارد. همچنین موفقیت یا شکست هر کسب‌وکار، از مهارت‌ها و توانایی مالکان و مدیران نشئت می‌گیرد. درواقع، شایستگی‌های کارآفرینانه شامل

شناسایی خلأهای بازار، داشتن ایده، اطلاعات بازار و شایستگی‌های روابط مانند تعامل و مهارت‌های ارتباطی است.

وانجیکو نجوگو^۱ (۲۰۱۶) به بررسی عوامل مؤثر بر پایداری شرکت‌های زنان در کنیا پرداختند. مطابق نتایج، فرهنگ سازمانی، در دسترس بودن منابع مالی، الزامات قانونی و مهارت‌های مدیریتی، بر پایداری شرکت‌های زنان در کنیا اثرگذار است. این محقق توصیه کرد که صاحبان بنگاه‌های زنانه باید مهارت‌های مدیریتی داشته باشند، قوانین حاکم را رعایت کنند و فرهنگ کاری درستی داشته باشند تا بقای کسب‌وکار خود را تضمین کنند.

حسین‌زاده و همکاران (۲۰۲۱) در مطالعه «عوامل مؤثر بر پایداری کسب‌وکارهای روستایی راه‌اندازی‌شده توسط زنان عضو صندوق‌های اعتبارات خرد در استان مازندران» به این نتیجه رسیدند که عوامل زیربنایی، آموزشی-مهارتی، سیاست‌گذاری، اقتصادی و محیطی-جغرافیایی، تأثیر مثبتی بر پایداری کسب‌وکارهای زنان عضو صندوق‌های اعتبارات خرد روستایی استان مازندران دارد.

بررسی مطالعات تجربی داخلی و خارجی در خصوص پایداری کسب‌وکارهای زنان و عوامل مؤثر بر آن گویای آن است که اولاً مطالعات منسجمی برای شناسایی عوامل مؤثر بر پایداری کسب‌وکارهای زنان در سطح بین‌المللی به صورت عام و در سطح ملی و محلی به صورت خاص انجام نشده است. دوم آنکه پایداری کسب‌وکارهای زنان در مناطق مختلف، تحت تأثیر عوامل متفاوتی است و نمی‌توان نتایج یک منطقه یا بخش را به پایداری کسب‌وکارهای زنان در سایر مناطق تعمیم داد. از این رو، در پژوهش حاضر به منظور واکاوی و مفهوم‌سازی مدل پایداری کسب‌وکارهای زنان در شهرستان بهبهان با بهره‌گیری از پارادایم کیفی و روش نظریه بنیانی به دنبال شناسایی عوامل علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر مؤثر بر پایداری کسب‌وکارهای زنان در شهرستان بهبهان هستیم. همچنین، با بررسی دیدگاه‌ها و تجربیات زنان صاحب کسب‌وکار در شهرستان بهبهان، ضمن شناسایی راهبردها و راهکارهای ارتقای پایداری کسب‌وکارهای زنان در این منطقه، پیامدهای توسعه کسب‌وکارهای پایدار زنان را نیز شناسایی و تحلیل می‌کنیم.

۳. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از پارادایم کیفی و روش نظریه بنیانی انجام گرفت. نظریه بنیانی از کارآمدترین روش‌های تحقیق است؛ چرا که تحلیل داده‌ها و ساخت نظریه منسجم در ارتباطی متقابل با فرایندی رفت و برگشتی انجام می‌شود. پژوهش حاضر در استان خوزستان، شهرستان بهبهان در

بهار و تابستان ۱۴۰۰ انجام گرفت. جامعه مورد مطالعه را زنان دارای کسب‌وکار فعال در شهرستان بهبهان تشکیل می‌دهند. برای شناسایی این جامعه، ابتدا فهرست زنان دارای کسب‌وکار از فرمانداری، اداره فنی‌وحرفه‌ای، سازمان جهاد کشاورزی و اداره صنعت، معدن و تجارت شهرستان بهبهان دریافت شد. در ادامه با ۵۰ نفر از این زنان مذاکرات اولیه برای مصاحبه صورت گرفت. هفده نفر از زنان کسب‌وکارشان با شکست مواجه بود و کسب‌وکار فعالی در زمان مصاحبه نداشتند. پانزده نفر حاضر به مصاحبه نبودند و سه نفر را زنان مصاحبه‌شونده معرفی کردند. در نتیجه در کنار نمونه همگون، از تکنیک غیراحتمالی گلوله‌برفی نیز استفاده کردیم. در واقع نمونه همگون شامل افرادی است که متعلق به فرهنگ خاص و دارای ویژگی مشترکی باشند. تکنیک گلوله‌برفی نیز زمانی استفاده می‌شود که واحدهای مورد مطالعه به راحتی قابل شناسایی نباشد. در این تحقیق، در جهت مصاحبه با افراد دیگر، از زنان مصاحبه‌شونده درخواست کردیم کارآفرینان و صاحبان مشاغل زن را معرفی کنند. مصاحبه شامل ۹ سؤال بود که افراد ضمن گزارش سن، سابقه، میزان تحصیلات و معرفی شغل، علت ایجاد شغل را بیان کردند و سپس مفاهیم پایداری در کسب‌وکار و عوامل مؤثر بر آن، چالش‌های کسب‌وکار زنان در شهرستان بهبهان، پیامدهای پایداری کسب‌وکار زنان در این شهر و نیز در کشور، راهکارها و اقدامات برای توسعه و پایداری کسب‌وکار زنان بهبهانی و... را توضیح دادند. پس از ۲۱ مصاحبه عمیق با زنان دارای کسب‌وکار در شهرستان بهبهان، اشباع نظری حاصل شد. شایان ذکر است در حین مصاحبه، گفت‌وگوها یادداشت و همچنین ضبط و سپس مکتوب شدند. در گام آخر، برای تأیید گفت‌وگوها فایل مکتوب توسط مصاحبه‌شوندگان بازنگری و پس از اصلاح و جرح‌وتعدیل تأیید شد. با استفاده از کدگذاری‌ها، متن مصاحبه به مفاهیم و مقوله‌ها تبدیل شدند. در واقع کدگذاری نوعی تحلیل است. به عبارت دیگر، کدگذاری عملیاتی است که در آن، داده‌ها تجزیه و تحلیل، و مفهوم‌سازی می‌شوند و به شکل تازه‌ای کنار هم قرار می‌گیرند (Bahadori, 2018)، این همان فرایند اصلی است که در آن، نظریه براساس داده‌ها تدوین می‌شود؛ یعنی نظریه‌بنیانی که شامل سه نوع کدگذاری باز، محوری و انتخابی است. در پژوهش حاضر، برای تأیید یافته‌ها، از چهار معیار مقبولیت یعنی باورپذیری، اطمینان‌پذیری، تأییدپذیری و انتقال‌پذیری بهره گرفته شد.

۴. یافته‌های پژوهش

در این مطالعه، با ۲۱ نفر از زنان دارای کسب‌وکار در شهرستان بهبهان مصاحبه‌های عمیق انفرادی صورت گرفت و در این مرحله اشباع نظری حاصل شد. در جدول ۱ ویژگی‌های جمعیت‌شناختی افراد مورد مطالعه آمده است (جدول ۱).

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان

ردیف	حوزه فعالیت	سن (سال)	سابقه فعالیت در کسب‌وکار	تحصیلات
۱	تولیدکننده پوشاک	۴۸	۱۵	-
۲	هنرهای بافتنی	۲۵	۷	دیپلم
۳	تولیدکننده وسایل رزینی	۲۴	۳	لیسانس
۴	فروشگاه زنانه	۲۵	۲	لیسانس
۵	تولیدکننده پوشاک	۴۰	۲۹	دیپلم
۶	تولیدکننده زیورآلات و آینه‌دوزی	۲۸	۲	لیسانس
۷	باشگاه شخصی پرورش اندام	۲۹	۷	لیسانس
۸	تولیدکننده بادام کوهی	۳۴	۲۴	لیسانس
۹	دوخت وسایل آشپزخانه	۲۹	۴	لیسانس
۱۰	تهیه غذای خانگی	۲۵	۳	لیسانس
۱۱	تولیدکننده پوشاک	۴۲	۱۷	لیسانس
۱۲	آشپز	۲۷	-	لیسانس
۱۳	طراحی و نقاشی تابلو	۲۲	۵	لیسانس
۱۴	تولیدکننده سرویس خواب	۴۳	۱۵	لیسانس
۱۵	تولیدکننده پوشاک	۳۷	۱۷	زیردیپلم
۱۶	تولیدکننده پوشاک	۴۷	۱۱	دیپلم
۱۷	عطاری و زالودرمانی	۵۲	۷	دیپلم
۱۸	ساخت زیورآلات و تابلوی رنگ‌روغن	۳۲	۸	لیسانس
۱۹	مدیریت پیک موتوری	۲۸	۱	لیسانس
۲۰	عکاسی و صاحب آتلیه	۲۹	۶	لیسانس
۲۱	سیاه‌قلم، طراحی و نقاشی چهره	۲۴	۳	لیسانس

۴-۱. کدگذاری باز روش‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

به‌منظور واکاوی عوامل مؤثر بر پایداری کسب‌وکارهای زنان در شهرستان بهبهان، ابتدا در مرحله کدگذاری باز، متن مصاحبه‌ها مورد تحلیل محتوای معمولی (عرفی) قرار گرفت. بدین‌صورت که متن مصاحبه‌ها به‌صورت خط‌به‌خط تجزیه و تحلیل شدند. مفاهیم بی‌ربط و نامناسب حذف و مفاهیم کلیدی استخراج شدند. مفاهیم مشابه نیز در هم ادغام شدند. در این مرحله، ۷۱ مفهوم مرتبط با مدل پایداری کسب‌وکارهای زنان در شهرستان بهبهان به‌دست آمد.

۴-۲. کدگذاری محوری

مفاهیمی که با حروف مشابه در مرحله کدگذاری باز شناسایی شده بودند، در مرحله کدگذاری محوری دسته‌بندی شدند و براساس نزدیکی مفاهیم، زیرطبقات را شکل دادند. درنهایت، زیرطبقات تشکیل شده بر اساس مدل گراند تئوری، طبقات اصلی را به وجود آوردند (جدول ۲).

جدول ۲. طبقات و زیرطبقات استخراج شده در کدگذاری محوری

طبقه	زیرطبقه	تعداد ارجاع (فراوانی)	مفاهیم	
شرایط علی	دانش بازار	۵	داشتن اطلاعات کافی از بازار	
		۳	آشنایی با سلايق مشتری	
		۹	مشتری‌مداری	
		۱۱	توانایی شناسایی نیازهای بازار	
		۵	داشتن مهارت در زمینه بازاریابی	
		۹	شناخت کامل و کافی از بازار	
		۲	به‌روز کردن کسب‌وکار مطابق با تغییرات اجتماعی	
	شرایط خانوادگی	۳	داشتن مسئولیت تأمین هزینه‌های زندگی	
		۷	سوابق خانوادگی	
	ویژگی‌های فردی و شخصیتی	۹	تشویق خانواده و اطرافیان	
		۸	داشتن علاقه به کسب‌وکار	
		۱۲	داشتن خلاقیت	
		۱۰	داشتن اعتمادبه‌نفس	
		۶	برخورداری از صبر و حوصله	
		۱۵	تلاش و پشتکار	
		۴	حس استقلال‌طلبی	
		۹	علاقه به اشتغال‌زایی	
		۳	قناعت به سود اندک	
		۵	داشتن سرمایه کافی	
	آموزش	۱۱	شرکت در دوره‌های آموزشی مرتبط با کسب‌وکار	
	عوامل زمینه‌ای	سیاست‌های حمایتی	۱۳	حمایت مالی دولت از کسب‌وکارهای زنان
			۵	در نظر گرفتن بیمه و بازنشستگی برای کسب‌وکارهای زنان
			۸	سیاست‌های حمایتی دولت از کسب‌وکارهای زنان (نظیر کلاس‌های آموزشی رایگان و...)
۳			فراهم‌بودن زیرساخت‌ها (نظیر اینترنت و...)	
۲			عدم پارتی‌بازی در اعطای وام و مجوزهای لازم برای راه‌اندازی و توسعه کسب‌وکار	
۱۰			امنیت زنان در جامعه	

طبقه	زیرطبقه	تعداد ارجاع (فراوانی)	مفاهیم
عوامل مداخله‌گر	تلاطم‌های محیطی	۱۴	شیوع بیماری کرونا
	بحران‌های اقتصادی	۷	فیلتر برخی شبکه‌های مجازی
		۴	تحریم‌ها
		۲	گران شدن مواد اولیه
پدیده (پایداری کسب‌وکار)	چشم‌انداز کاری روشن و شفاف	۳	داشتن برنامه برای پنج سال بعد
		۵	داشتن طرح کسب‌وکار
		۷	داشتن برنامه‌ریزی
		۴	داشتن هدف در کسب‌وکار
		۳	راه‌اندازی کسب‌وکار براساس برنامه‌های اصولی و فارغ از هیجانات
		۱	امکان توسعه کسب‌وکار در آینده
		۷	داشتن چشم‌انداز
	طول عمر کسب‌وکار	۴	عدم شکست کسب‌وکار در سال‌های اول
		۳	مقاومت در برابر مشکلات
		۶	طول عمر بالای کسب‌وکار
		۴	داشتن تجربه و سابقه زیاد
	مدیریت کسب‌وکار	۷	ادامه کار حتی با وجود شرایط بد اقتصادی
		۸	رعایت کیفیت در کسب‌وکار
		۳	اداره مناسب کسب‌وکار
		۷	بازاریابی هدفمند و قوی
		۱۰	توانایی حفظ مشتری
		۲	داشتن تعهد در کار
سرمایه در گردش	۲	داشتن پول در گردش	
راهکارها	ارائه آموزش‌های کسب‌وکار به زنان	۱۳	ارائه آموزش‌های بازاریابی به زنان فعال اقتصادی
		۷	ارائه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به زنان بیکار و خانه‌دار
		۱۱	برگزاری دوره‌های انگیزشی برای زنان در راستای علاقه‌مند شدن به اشتغال
	اتخاذ سیاست‌های حمایتی از زنان	۱۳	حمایت مالی از کسب‌وکارهای زنان
		۳	حذف بروکراسی زائد اداری در مراحل توسعه کسب‌وکار
		۵	توسعه زیرساخت‌های مورد نیاز کسب‌وکارهای زنان (نظیر اینترنت و...)
		۱۰	ارتقای امنیت زنان در جامعه
		۱	ایجاد خوشه کسب‌وکار زنان

طبقه	زیرطبقه	تعداد ارجاع (فراوانی)	مفاهیم
	فرهنگ‌سازی در راستای حمایت از کسب‌وکارهای زنان	۴	فرهنگ‌سازی در زمینه استفاده از کالاهای تولید زنان ایرانی
		۵	فرهنگ‌سازی در راستای تغییر هنجارهای منفی در جامعه در زمینه اشتغال زنان
		۴	حمایت روانی خانواده و جامعه از زنان شاغل
پیامدها	کاهش آسیب‌ها و مشکلات اجتماعی	۷	کاهش اعتیاد در جامعه
		۴	کاهش فساد و دزدی در جامعه
		۱۶	کاهش بیکاری در سطح جامعه
		۲	کاهش نرخ تجرد در جامعه و افزایش نرخ ازدواج
	توانمندسازی زنان	۹	ایجاد حس باارزش‌بودن در بین زنان
		۴	ارتقای اعتمادبه‌نفس زنان
		۷	بهبود خودباوری زنان
		۱۱	استقلال مالی زنان
		۵	کمک به تأمین هزینه‌های خانواده
		۳	افزایش برابری زن و مرد در جامعه
	افزایش رفاه اجتماعی	۸	افزایش شادی و سرزندگی در جامعه
۲		افزایش آرامش در سطح خانواده	

منبع: یافته‌های تحقیق

براساس جدول ۲، مفاهیمی که به شرایط علی توسعه پایداری کسب‌وکارهای زنان در شهرستان بهبهان برمی‌گردند، پنج زیرطبقه اصلی را تشکیل می‌دهند. زیرطبقه «دانش بازار» شامل داشتن اطلاعات کافی از بازار، آشنایی با سلیقه مشتری، مشتری‌مداری، توانایی شناسایی نیازهای بازار، داشتن مهارت در زمینه بازاریابی، شناخت کامل و کافی از بازار و به‌روزکردن کسب‌وکار مطابق با تغییرات اجتماعی است. درواقع، افراد مورد مطالعه بر این باور بودند که هرچقدر صاحبان کسب‌وکار، اطلاعات و دانش بهتری از بازار و نیازهای آن داشته باشند، امکان بقای طولانی‌مدت کسب‌وکار آنان نیز بیشتر است. زیرطبقه «شرایط خانوادگی» مفاهیم داشتن مسئولیت تأمین هزینه‌های زندگی، سوابق خانوادگی و تشویق خانواده و اطرافیان را در خود جای داده است. درواقع، از نظر مشارکت‌کنندگان، برخی بسترها و شرایط خانوادگی، زنان را وادار می‌کند تا برای بقای کسب‌وکار خود بیشتر تلاش کنند و به اصطلاح عامیانه، کسب‌وکار خود را با چنگ و دندان حفظ کنند؛ برای مثال، برخی از زنان معتقدند چون در تأمین هزینه‌های زندگی نقش دارند، تعطیلی و شکست کسب‌وکار برای آنان معنایی ندارد و تمام تلاش خود را در جهت تداوم کسب‌وکار خود به‌کار می‌بندند. گاهی نیز به‌دلیل گزینش کسب‌وکارهایی که در خانواده سابقه طولانی و موروثی دارند، فرد

آگاهی بیشتری از کسب و کار و مشکلات احتمالی آن دارد و بنابراین امکان شکست آن کمتر است؛ ضمن آنکه تشویق‌ها و حمایت‌های خانواده نیز در پایداری کسب و کار بی‌تأثیر نیست. زیرطبقه «ویژگی‌های فردی و شخصیتی» عواملی مانند داشتن تعهد شغلی، داشتن خلاقیت، داشتن اعتمادبه‌نفس، برخورداری از صبر و حوصله، تلاش و پشتکار، حس استقلال‌طلبی، علاقه به اشتغال‌زایی، قناعت به سود اندک و داشتن علاقه به کسب و کار را در خود جای می‌دهد. به بیانی دیگر، پاسخگویان بر این باورند که ویژگی‌های شخصیتی خود فرد نیز در بقای طولانی‌مدت کسب و کار مؤثر است و افرادی که از سعه صدر، خلاقیت، اعتمادبه‌نفس و... برخوردارند، برای پایداری کسب و کار خود تلاش بیشتری می‌کنند و به‌سادگی تن به پذیرش شکست و تعطیلی کسب و کار نمی‌دهند.

زیرطبقه دیگر «عامل اقتصادی» است، مبنی بر اینکه داشتن سرمایه کافی، عاملی است که بقای طولانی‌مدت کسب و کارها را به دنبال دارد. زیرطبقه «آموزش» نیز بر مفهوم شرکت در دوره‌های آموزشی مرتبط با کسب و کار تأکید دارد. به عبارت دیگر، زنان مورد مطالعه معتقدند شرکت در دوره‌های آموزشی مرتبط با کسب و کار موجب افزایش دانش و اطلاعات فرد از واقعیت‌های کسب و کار می‌شود، او را برای مواجهه با شرایط سخت بازار تجهیز می‌کند و بنابراین تداوم کسب و کار را به دنبال دارد.

طبقه عوامل زمینه‌ای شامل زیرطبقه «سیاست‌های حمایتی» است. مفاهیم حمایت مالی دولت از کسب و کارهای زنان، در نظر گرفتن بیمه و بازنشستگی برای کسب و کارهای زنان، سیاست‌های حمایتی دولت از کسب و کارهای زنان (نظیر کلاس‌های آموزشی رایگان و...)، فراهم‌بودن زیرساخت‌ها (نظیر اینترنت و...)، عدم پارتی‌بازی در اعطای وام و مجوزهای لازم برای راه‌اندازی کسب و کار و امنیت زنان در جامعه، این زیرطبقه را تشکیل می‌دهند. در واقع این زیرطبقه گویای آن است که از نگاه مصاحبه‌شوندگان، حمایت‌های دولتی مختلف از زنان می‌تواند موجب پایداری کسب و کارهای آنان شود. به بیانی دیگر، زنان مورد مطالعه بر آن‌اند که به‌دلیل دسترسی محدودتر آنان به منابع و امکانات، چنانچه دولت در اعطای وام‌ها و حمایت‌های مالی نگاه ویژه‌ای به زنان و شرایط آنان داشته باشد، تلاش آنان برای حفظ و بقای کسب و کار بیشتر می‌شود. برخی از مشارکت‌کنندگان، از کم‌بودن امنیت زنان برای کار در محیط‌های مردانه یا بیرون از منزل شکایت دارند و معتقدند وجود محیط‌های امن برای اشتغال آنان، یکی از عواملی است که بر تصمیم آنان برای ادامه کسب و کار اثر می‌گذارد. همچنین اغلب کسب و کارهای زنان در بخش فروش و بازاریابی، از ظرفیت شبکه‌های مجازی استفاده کرده بودند و معتقد بودند فراهم‌بودن این زیرساخت‌ها به‌صورت مناسب و باکیفیت، تا

حدود زیادی بر فعالیت کسب‌وکار آنان اثر می‌گذارد. علاوه‌براین، برخورداری از بیمه و مزایای بازنشستگی می‌تواند عاملی برای تشویق آنان به حفظ کسب‌وکار باشد که باید از سوی دولت و سیاست‌گذاران مورد توجه قرار گیرد.

طبقه عوامل مداخله‌گر شامل زیرطبقه «تلاطم‌های محیطی» و «بحران‌های اقتصادی» است که در نتیجه شیوع بیماری کرونا، فیلتر برخی شبکه‌های مجازی، تحریم‌ها و گران‌شدن مواد اولیه به‌وجود آمده است. درواقع پاسخگویان توضیح دادند وقوع هر یک از این چالش‌ها و مشکلات، تأثیر زیادی بر بقای کسب‌وکار آنان گذاشته است. به بیان آنان، برخی از همکارانشان در شرایط به‌وجودآمده کسب‌وکار خود را تعطیل کرده‌اند و بقیه نیز به دست‌وپنجه نرم کردن با مشکلات مشغول‌اند.

پدیده در این مطالعه، پایداری کسب‌وکار است که براساس مصاحبه با زنان صاحب کسب‌وکار، چهار زیر طبقه «چشم‌انداز کاری روشن و شفاف»، «طول عمر کسب‌وکار»، «مدیریت کسب‌وکار» و «سرمایه در گردش» را دربرمی‌گیرد. زیرطبقه «چشم‌انداز کاری روشن و شفاف» هفت مفهوم را شامل می‌شود که عبارت‌اند از: داشتن برنامه برای پنج سال بعد، داشتن طرح کسب‌وکار، داشتن برنامه‌ریزی، داشتن هدف در کسب‌وکار، راه‌اندازی کسب‌وکار براساس برنامه‌های اصولی و فارغ از هیجانان، امکان توسعه کسب‌وکار در آینده و داشتن چشم‌انداز. درواقع از نگاه افراد مورد مطالعه، کسب‌وکاری پایدار است که یکی از ویژگی‌های بارز آن، داشتن طرح و برنامه و چشم‌انداز برای آینده باشد. زیرطبقه «طول عمر کسب‌وکار» نیز مفاهیم عدم شکست کسب‌وکار در سال‌های اول، مقاومت در برابر مشکلات، طول عمر زیاد کسب‌وکار، داشتن تجربه و سابقه طولانی و ادامه کار حتی با وجود شرایط بد اقتصادی را دربرمی‌گیرد. درواقع پاسخگویان اذعان کردند پایداری کسب‌وکار به طول عمر زیاد کسب‌وکار و تداوم آن در سالیان متمادی اشاره دارد. زیرطبقه «مدیریت کسب‌وکار» شامل مفاهیم رعایت کیفیت در کسب‌وکار، اداره مناسب کسب‌وکار، بازاریابی هدفمند و قوی، توانایی حفظ مشتری و داشتن تعهد در کار است. به عبارت دیگر، مشارکت‌کنندگان بر این باورند که کسب‌وکاری پایدار است که از مدیریت مناسبی در جذب و حفظ مشتری برخوردار باشد. زیرطبقه «سرمایه در گردش» نیز ناظر بر این مدعا است که کسب‌وکارهای پایدار، از نظر اقتصادی و مالی نیز باید ویژگی‌هایی داشته باشند که از آن جمله می‌توان به داشتن پول در گردش اشاره کرد.

طبقه راهکارهای ارتقای پایداری کسب‌وکارهای زنان در شهرستان بهبهان سه زیرطبقه را شامل می‌شود. زیرطبقه «ارائه آموزش‌های کسب‌وکار به زنان» سه مفهوم را دربرمی‌گیرد که عبارت‌اند از: آموزش بازاریابی به زنان فعال اقتصادی، آموزش فنی‌و حرفه‌ای به زنان بیکار و خانه‌دار و برگزاری دوره‌های انگیزشی برای زنان برای ایجاد علاقه به اشتغال. درواقع به بیان برخی مصاحبه‌شوندگان،

آموزش‌های مختلف انگیزشی و مهارتی به زنان کمک می‌کند تا در مواجهه با هر شرایط سختی، کسب‌وکار خود را تعطیل نکنند و برای حفظ آن مهارت‌های لازم را به‌دست آورند.

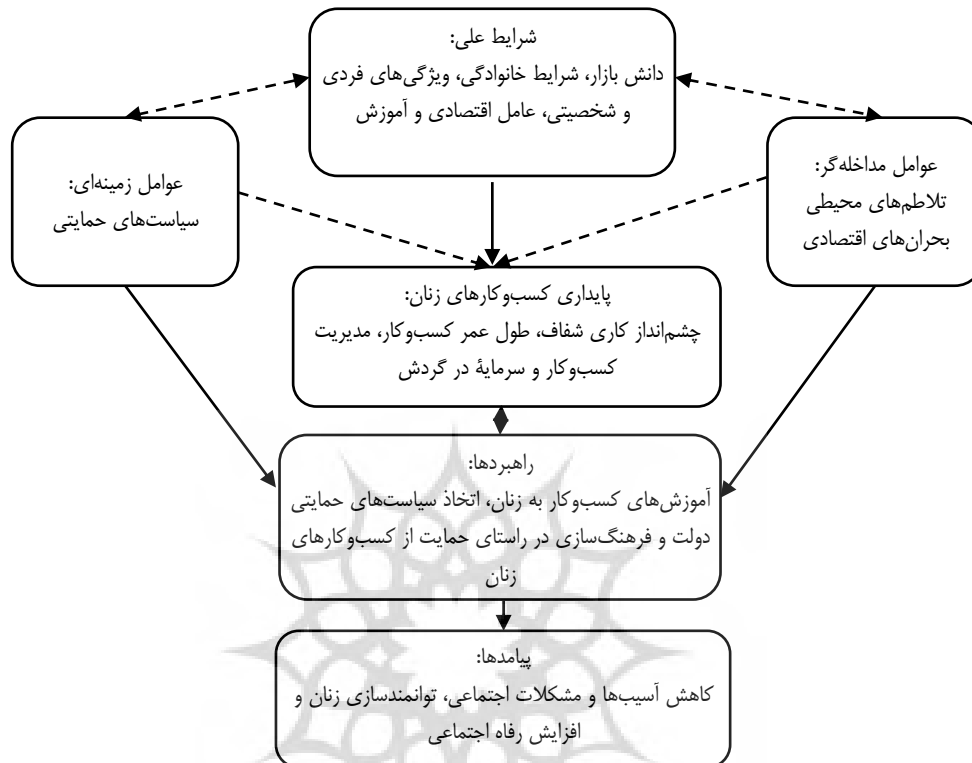
«اتخاذ سیاست‌های حمایتی از زنان» زیرطبقه دیگری است که چهار مفهوم حذف بروکراسی زائد اداری در مراحل توسعه کسب‌وکار، توسعه زیرساخت‌های مورد نیاز کسب‌وکارهای زنان (نظیر اینترنت و...)، ارتقای امنیت زنان در جامعه و ایجاد خوشه کسب‌وکار زنان را در خود جای داده است. در واقع، به بیان افراد مورد مطالعه، اتخاذ سیاست‌هایی که ناظر بر حمایت از کسب‌وکارهای زنان باشد، بقای کسب‌وکارهای زنان را افزایش می‌دهد. در این راستا، حذف مراحل زائد در راه‌اندازی و توسعه کسب‌وکار، فراهم کردن زیرساخت‌های مورد نیاز کسب‌وکارهای زنان، تصویب قوانین محکم برای حمایت از امنیت زنان در جامعه و همچنین ایجاد خوشه‌های کسب‌وکار در میان زنان شاغل به‌منظور کسب تجربه و تبادل نظر آنان با یکدیگر، تا حد زیادی به پایداری کسب‌وکارهای زنان کمک می‌کند. زیرطبقه «فرهنگ‌سازی در راستای حمایت از کسب‌وکارهای زنان» نیز سه مفهوم را دربرگرفته که شامل فرهنگ‌سازی در زمینه استفاده از کالاهای تولید زنان ایرانی، فرهنگ‌سازی در راستای تغییر هنجارهای منفی در جامعه در زمینه اشتغال زنان و حمایت روانی خانواده و جامعه از زنان شاغل است.

سه زیرطبقه «کاهش آسیب‌ها و مشکلات اجتماعی»، «توانمندسازی زنان» و «افزایش رفاه اجتماعی»، طبقه پیامدهای پایداری کسب‌وکارهای زنان را در شهرستان بهبهان تشکیل می‌دهند. از نگاه پاسخگویان، پایداری کسب‌وکارهای آنان اثرات زیادی در زندگی شخصی و خانوادگی آنان در وهله نخست و در ادامه در سطوح کلان کشوری و اجتماع به دنبال داشته است. در واقع به سخن برخی از مشارکت‌کنندگان، پایداری کسب‌وکارشان به توانمندی آنان از جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و روان‌شناختی کمک کرده و موجب شده نه‌تنها از بعد اقتصادی متکی به‌خود باشند، بلکه حتی در روحیات و ویژگی‌های روانی آنان نیز مؤثر بوده است؛ تا جایی که حتی در عرصه اجتماع نیز می‌تواند برابری آنان با مردان را ارتقا بخشد. افزون بر این، کاهش برخی آسیب‌ها و مشکلات اجتماعی نظیر کاهش اعتیاد در جامعه، کاهش فساد و دزدی در جامعه، کاهش بیکاری در سطح جامعه و کاهش نرخ تجرد در جامعه و افزایش نرخ ازدواج را به دنبال خواهد داشت. از نگاه زنان مورد مطالعه، افزایش شادی و سرزندگی در جامعه و افزایش آرامش در خانواده نیز از پیامدهای پایداری کسب‌وکارهای زنان در جامعه است که به‌نوعی رفاه اجتماعی را ارتقا می‌بخشد.

۴-۳. کدگذاری انتخابی

زنان به دلیل برخورداری از «دانش بازار»، برخی بسترها و «شرایط خانوادگی»، برخورداری از برخی «ویژگی‌های فردی و شخصیتی»، فراهم‌بودن «بسترهای اقتصادی» و گذراندن «دوره‌های آموزشی» در راستای کسب‌وکار خود، توانایی حفظ و بقای کسب‌وکار خود را در بلندمدت دارند. پایداری کسب‌وکارهای زنان در شهرستان بهبهان، تحت تأثیر چند عامل بیرونی به نام عوامل زمینه‌ای نیز قرار می‌گیرند که «سیاست‌های حمایتی» نام‌گذاری شده‌اند. در واقع از نگاه افراد مورد مطالعه، وجود «سیاست‌های حمایتی» در عرصه اجتماع، در پایداری و دوام کسب‌وکارهای زنان بی‌تأثیر نیست و می‌تواند مشوقی برای حفظ کسب‌وکارهای آنان باشد. عواملی که تاکنون ذکر آن گذشت، به‌صورت مستقیم بر پایداری کسب‌وکارهای زنان در شهرستان بهبهان تأثیر می‌گذارد. اما عوامل بیرونی دیگری نیز وجود دارند که به‌صورت غیرمستقیم بر این پایداری اثر می‌گذارند که مدیریت آن‌ها خارج از اختیار صاحبان کسب‌وکار است. این عوامل که مداخله‌گر نامیده می‌شوند، شامل «تلاطم‌های محیطی» و «بحران‌های اقتصادی» هستند. در واقع می‌توان گفت شیوع بیماری کرونا، فیلتر برخی شبکه‌های مجازی، تحریم‌ها و گران‌شدن مواد اولیه می‌تواند آثاری منفی بر پایداری کسب‌وکارهای زنان داشته باشد و لازم است در این زمینه، سیاست‌های مناسبی در جهت حمایت از کسب‌وکارهای زنان اتخاذ شود.

بهبود و ارتقای پایداری کسب‌وکارهای زنان در شهرستان بهبهان نیازمند «آموزش‌های کسب‌وکار به زنان»، «اتخاذ سیاست‌های حمایتی دولت از زنان» و «فرهنگ‌سازی در راستای حمایت از کسب‌وکارهای زنان» است. در واقع راهکارها و راهبردهای زیر می‌تواند زمینه‌ساز ارتقای پایداری کسب‌وکارهای زنان در شهرستان بهبهان باشد: آموزش بازاریابی به زنان فعال اقتصادی، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به زنان بیکار و خانه‌دار و برگزاری دوره‌های انگیزشی برای زنان در راستای ایجاد علاقه‌مندی به اشتغال، حمایت مالی از کسب‌وکارهای زنان، حذف بروکراسی زائد اداری در مراحل راه‌اندازی کسب‌وکار، توسعه زیرساخت‌های مورد نیاز کسب‌وکارهای زنان (نظیر اینترنت و...)، ارتقای امنیت زنان در جامعه و ایجاد خوشه کسب‌وکار زنان، فرهنگ‌سازی در زمینه استفاده از کالاهای تولید زنان ایرانی، فرهنگ‌سازی در راستای تغییر هنجارهای منفی در جامعه در زمینه اشتغال زنان و حمایت روانی خانواده و جامعه از زنان شاغل.



شکل ۱. الگوی پایداری کسب‌وکارهای زنان در شهرستان بهبهان

پایداری کسب‌وکارهای زنان در شهرستان بهبهان در نتیجه راهکارهایی که در بالا به آنان اشاره شد حاصل می‌شود، می‌تواند پیامدهای مثبتی برای زنان دارای کسب‌وکار، خانواده‌های آنان و کشور به دنبال داشته باشد. بدین صورت که پایداری کسب‌وکارهای زنان می‌تواند نتایجی مانند «کاهش آسیب‌ها و مشکلات اجتماعی»، «توانمندسازی زنان» و «افزایش رفاه اجتماعی» را در پی داشته باشد؛ بنابراین بر مبنای یافته‌های پژوهش می‌توان مؤلفه‌های مدل پایداری کسب‌وکارهای زنان شهرستان بهبهان را به صورت زیر مفهوم‌سازی کرد (شکل ۱).

۵. بحث و نتیجه‌گیری

از نگاه افراد مورد مطالعه دانش بازار، شرایط خانوادگی، ویژگی‌های فردی و شخصیتی، عامل اقتصادی و آموزش، عوامل علی اثرگذار بر پایداری کسب‌وکارهای زنان در شهرستان بهبهان به‌شمار

می‌روند. بوژیچ^۱ (۲۰۱۱) در مطالعه‌ای در کرواسی نشان داد داده‌کاوی و رصد اطلاعات بازار، نقش مهمی در مدیریت دانش بازار دارد و با استفاده از این اطلاعات و داده‌ها می‌توان نیازهای مشتریان را شناخت و محصولات یا خدماتی را ارائه داد که مطابق با خواسته‌ها و نیازهای مشتریان باشد و در نهایت یک استراتژی بازاریابی مناسب برای ادامه فعالیت تدوین کرد. شرایط خانوادگی به‌عنوان یکی از عوامل علی اثرگذار بر پایداری کسب‌وکارهای زنان در شهرستان بهبهان به این نکته اشاره دارد که برخی بسترها و شرایط خانوادگی، زنان را وادار می‌کند تا برای بقای کسب‌وکار خود تلاش بیشتری کنند و به اصطلاح عامیانه کسب‌وکار خود را با چنگ و دندان حفظ کنند؛ برای مثال برخی از زنان بیان کردند از آنجا که در تأمین هزینه‌های زندگی نقش دارند، تعطیلی و شکست کسب‌وکارشان برای آنان معنایی ندارد و تمام تلاش خود را در جهت تداوم کسب‌وکار خود به کار می‌بندند. در پژوهش احمدی کفشانی و همکاران (۲۰۱۸) نتایج این پژوهش تأیید شده و به اهمیت دانش و انتقال دانش از طریق خانواده و تأثیر خانواده در بقای کسب‌وکارها اشاره شده است. همچنین نتایج مطالعه نشان داد ویژگی‌های فردی و شخصیتی زنان صاحب کسب‌وکار، بر بقا و پایداری مشاغل آنان تأثیر مثبت و معناداری داشته است. در راستای نتایج این مطالعات، حسینی‌نیا و همکاران (۲۰۱۴) و سلیمانی و همکاران (۲۰۲۰) نیز بر آن‌اند که عوامل شخصیتی در موفقیت افراد مؤثر است و بنابراین صاحبان کسب‌وکار نباید از پرورش نیروهای درون خود غافل شوند. عامل اقتصادی از دیگر عوامل علی اثرگذار بر پایداری کسب‌وکارهای زنان در شهرستان بهبهان بود. در راستای نتایج این بخش از مطالعه، شیری (۲۰۲۱)، شیری و همکاران (۲۰۲۲) و شیری و جعفری صادقی (۲۰۲۳) در مطالعات خود به این نتیجه رسیدند که علاوه بر عوامل غیرمالی، عوامل مالی نیز بر پایداری کسب‌وکارها مؤثرند و داشتن سرمایه کافی، شرط مهمی در بقای کسب‌وکارها به‌شمار می‌رود. آموزش، از دیگر عوامل علی تأثیرگذار بر پایداری کسب‌وکارهای زنان در شهرستان بهبهان بود که با یافته‌های مطالعات امینی و صفری شالی (۲۰۰۲) هم‌راستا است؛ زیرا یافته‌های این پژوهش نیز مشخص کرد بین دو متغیر آموزش و موفقیت شرکت‌ها رابطه مستقیم و معنی‌دار وجود دارد؛ یعنی هرچه آموزش‌ها بیشتر و مرتبط با وظایف افراد باشد، موفقیت سازمان و شرکت نیز بیشتر می‌شود. علاوه بر این، موسوی و معقول (۲۰۱۶) به این نتیجه رسیدند که افرادی که در دوره‌های پیشرفته فنی‌وحرفه‌ای و مهارتی شرکت کرده‌اند و فرایند آموزش و یادگیری را در زمینه‌های مختلف طی کرده‌اند، در بخش‌های مختلف کاری می‌توانند موفق‌تر عمل کنند.

مطابق یافته‌های این مطالعه، سیاست‌های حمایتی، از عوامل زمینه‌ای مؤثر بر پایداری کسب‌وکارهای زنان در شهرستان بهبهان به‌شمار می‌رود. در راستای نتایج این مطالعه باید گفت صاحبان کسب‌وکار، لوکوموتیورانان توسعه در جامعه هستند و باید از طرف دولت حمایت شوند. ضروری است دولت‌ها زیرساخت‌های مورد نیاز فعالیت افراد را فراهم کنند تا صاحبان کسب‌وکار بتوانند فعالیت خود را توسعه و سرعت اشتغال‌آفرینی را در جامعه افزایش دهند. حمایت‌های دولتی شامل حمایت مالی، حمایت بازاری، تأمین، اجتماعی، امنیتی، سیاسی، حقوقی، اطلاعاتی، فنی و فناوری و قانونی است.

تلاطم‌های محیطی و بحران‌های اقتصادی، از عوامل مداخله‌گری بود که بر مبنای نتایج آن، پایداری کسب‌وکارهای زنان در شهرستان بهبهان را تحت تأثیر قرار می‌داد. به بیانی دیگر، از نگاه افراد مورد مطالعه، شیوع بیماری کرونا، فیلتر برخی شبکه‌های مجازی، تحریم‌ها و گران شدن مواد اولیه، معادلات کسب‌وکار زنان را دستخوش تغییرات اساسی قرار داده است. در تضاد با نتایج این مطالعه، صائب‌نیا و کریمی (۲۰۲۰) با بررسی تأثیر کووید ۱۹ بر کسب‌وکارهای کوچک در استان اردبیل، به تأثیر مثبت بیماری کرونا بر عملکرد بازار اشاره کردند. این در حالی است که زنان مورد مطالعه بر این باور بودند که در زمان پیک کرونا که افراد در بازار اجازه فعالیت نداشتند، با چالش‌های اساسی برای ادامه فعالیت مواجه بودند. البته برخی از افراد مورد مطالعه که ارائه کالا و خدماتشان بر پایه فضای مجازی بود، با مشکل عدیده‌ای مواجه نشده بودند. همچنین مطابق یافته‌های این مطالعه، در مطالعه خجیر و خانیکی (۲۰۱۹) نتایج نشان داد ضریب نفوذ بالای فضای مجازی، دسترسی آسان به افراد و گروه‌ها، پایین بودن هزینه حضور در این شبکه‌ها و اشتراک‌گذاری سریع اطلاعات، ظرفیت مناسبی برای تعامل و فعالیت‌های متنوع ملی و بین‌المللی به‌وجود آورده است. این در حالی است که زنان مورد مطالعه در این پژوهش، بر این عقیده بودند که استفاده از شبکه‌های مجازی، فرصت خوب و کم‌هزینه‌ای برای ارائه محصولات و خدمات آنان به‌وجود آورده است، اما موضوع فیلترینگ شبکه‌های مجازی برای این افراد نگرانی ایجاد کرده است و به‌ویژه برای افرادی که کسب‌وکار خانگی دارند، فیلترینگ شبکه‌های مجازی، پایداری کسب‌وکار آن‌ها را تهدید می‌کند.

در کشورهای مختلف، برای پایداری کسب‌وکارهای زنان راهکارهای مختلفی پیشنهاد شده است؛ برای مثال در غنا، برای حمایت از کسب‌وکارها و کارآفرینی زنان، انجمن توسعه کارآفرینی زنان را تأسیس کرده‌اند که با برگزاری سیمینارهای متنوع و آموزش‌های گوناگون در مؤسسات، به رفع مشکلات و نیازهای زنان دارای کسب‌وکار و کارآفرین اقدام می‌کند. در هندوستان، به‌منظور تشویق زنان به ایجاد کسب‌وکار و کارآفرینی، جوایز متنوعی در نظر گرفته‌اند. همچنین دولت و ارگان‌های

تأثیرگذار در فرایند کسب‌وکار مانند بانک‌ها، برنامه‌های گوناگونی برای حمایت از زنان دارای کسب‌وکار برگزار می‌کنند (Gholami et al., 2010). مطابق این راهکارها، افراد مورد مطالعه نیز به ارائه آموزش‌های کسب‌وکار به زنان، اتخاذ سیاست‌های حمایتی دولت و فرهنگ‌سازی در راستای حمایت از کسب‌وکارهای زنان به‌عنوان راهکارهایی با هدف ارتقای پایداری کسب‌وکارهای زنان در شهرستان بهبهان اشاره کردند. در بخش سیاست‌های حمایتی از کسب‌وکار، راهکار «حذف بروکراسی زائد اداری در مراحل توسعه کسب‌وکار» پیشنهاد شد. برخلاف این یافته، وانجیکو و نجوگو (۲۰۱۶) معتقدند الزامات قانونی و رعایت قوانین حاکم سبب توسعه کسب‌وکارها می‌شود. این در حالی است که از دیدگاه ماکس وبر جامعه‌شناس آلمانی، بروکراسی اداری با وجود مزایایی که می‌تواند برای هر سازمانی داشته باشد، در واقعیت مانند شمشیر دولبه است؛ از طرفی عاملی است که افراد را به تبعیت از قوانین و سلسله‌مراتب دعوت می‌کند و از طرف دیگر برای برخی از مهم‌ترین ارزش‌های انسانی تهدیدکننده است (Weber, 1968). در واقع نظر به اینکه بروکراسی اداری موجب انعطاف‌ناپذیری سازمان در مقابل تغییرات محیطی و کاهش انگیزه کارکنان به دلیل سلسله‌مراتب خشک اداری می‌شود (Faghihi, Vaezi, & Aghaz, 2010)، بروکراسی اداری می‌تواند آفتی برای توسعه پایدار در کسب‌وکارهای زنان باشد؛ چرا که برای پایداری در دنیای پرقابلیت امروزی به‌خصوص در حوزه‌های کسب‌وکار باید دارای تیم کاری باانگیزه و منعطف در مقابل تغییرات محیطی بود.

از دیدگاه مشارکت‌کنندگان، پایداری و توسعه کسب‌وکار آنان اثر بسیاری در گام نخست در زندگی فردی و خانوادگی آنان دارد و در گام بعد، آثار آن را می‌توان در سطح شهر و سطح کلان کشور مشاهده کرد. به بیان دیگر، اغلب مصاحبه‌شوندگان معتقدند پایداری کسب‌وکارشان به توانمندسازی آنان در جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و روان‌شناختی کمک می‌کند و موجب اتکای زنان به خود در جنبه اقتصادی می‌شود. این پایداری در روحیات و ویژگی‌های شخصیتی آنان نیز مؤثر است، تا جایی که خود را پایین‌تر از مردان نمی‌بینند و خواستار برابری در همه جنبه‌های قانونی، حمایتی و... در کسب‌وکار هستند. علاوه بر این، کاهش برخی آسیب‌ها و مشکلات اجتماعی نظیر کاهش اعتیاد در جامعه، کاهش فساد و دزدی در جامعه، کاهش بیکاری در سطح جامعه، کاهش نرخ تجرد در جامعه و افزایش نرخ ازدواج را به دنبال دارد. مطابق یافته‌های این مطالعه، مستی و فخرایی (۲۰۱۴) نیز به افزایش سطح اشتغال، اعتمادبه‌نفس، استقلال و آگاهی زنان در نتیجه پایداری کسب‌وکارهای آنان اشاره کرده‌اند. همچنین رامبد و مختارپور (۲۰۲۰) نیز در تأیید یافته‌های این مطالعه به این نتیجه رسیدند که حضور زنان فعال در جامعه سبب تغییر نگرش کل جامعه می‌شود.

۶. پیشنهادها

بر مبنای نتایج، پیشنهادهای اجرایی که قابلیت استفاده توسط افراد، نهادها و سازمان‌ها دارد، عبارت‌اند از:

* در فرایند پژوهش، فهرست زنان فعال در حوزه کسب‌وکارهای مختلف از فرمانداری، ادارات صنعت و معدن و تجارت و جهاد کشاورزی شهرستان بهبهان برای انجام مراحل مصاحبه دریافت و مشخص شد فهرست مزبور با عدم به‌روزرسانی روبه‌رو است. حتی در برخی موارد، مدت‌ها از شکست برخی از کسب‌وکارها گذشته بود، ولی همچنان اسامی در فهرست زنان دارای کسب‌وکار فعال وجود داشت. به این ترتیب پیشنهاد می‌شود به‌عنوان اولین گام در جهت بهبود و برنامه‌ریزی برای کسب‌وکار زنان، از وضعیت کسب‌وکار زنان آگاه شد؛

* سازمان‌های ذی‌ربط، شبکه ارتباطی مناسبی برای زنان دارای کسب‌وکار در نظر بگیرند تا هنگامی که زنان صاحب کسب‌وکار نیاز به کمک داشتند، با مراجعه به آنجا بتوانند مشکل خود را حل کنند؛

* با توجه به صحبت‌های برخی از مصاحبه‌شوندگان، زنان برای پایداری و توسعه کسب‌وکارشان خواستار تأمین امنیت در جامعه هستند. پیشنهاد می‌شود مسئولان ذی‌ربط، مجموعه‌ای را برای تولید محصولات و ارائه خدمات زنان در نظر بگیرند که زنان به‌صورت یکجا به فعالیت بپردازند و همچنین امنیت آن‌ها تأمین شود؛ برای مثال، مجموعه سه‌طبقه‌ای شهر و روستا را که در مرکز شهر قرار دارد و چندین سال بدون فعالیت است، می‌تواند به‌عنوان مکان مناسب و ارزان به زنان صاحب کسب‌وکار اجاره داده شود و از این طریق امنیت کسب‌وکارها نیز تأمین شود.

* مصاحبه‌شوندگان معتقدند آگاهی به دانش بازار، یکی از ضرورت‌های کارکردن است که بیشتر زنان به‌طور کامل به آن توجه نمی‌کنند یا از تکنیک‌های سنتی گذشته استفاده می‌کنند. پیشنهاد می‌شود اصناف، سازمان فنی و حرفه‌ای و مؤسسات مختلف، دوره‌های بازاریابی رایگان یا با هزینه مناسب برای آموزش تکنیک‌های بازاریابی به زنان برگزار کنند. همچنین بیشتر زنان به اهمیت همگام‌بودن و به‌روزی‌بودن با بازار در شرایط کنونی اشاره کردند. به همین جهت پیشنهاد می‌شود زمینه حضور زنان در وبینارها و سمینارهای تخصصی در شهرستان و خارج از آن را اصناف و صنعت و معدن فراهم کنند؛

* زنان صاحبان کسب‌وکار بر این باورند که مسئولان مرتبط، از مسائل و چالش‌های ایجادشده برای زنان آگاهی اندکی دارند و این ناآگاهی و درک ناقص، پیامدهایی از جمله سیاست‌گذاری غلط و احساس بی‌ارزش‌بودن را به زنان انتقال داده است؛ بنابراین توصیه می‌شود انجمن یا گروهی از زنان

دارای کسب‌وکار تشکیل شود و نمایندگانی با بررسی امور کسب‌وکار زنان بتوانند مسائل دادرخواهی، مشکلات و نیازهای کسب‌وکارهای زنان را به اطلاع مسئولان برسانند؛

* یکی از نگرانی‌های برخی از زنان صاحب کسب‌وکار، موضوع بیمه و بازنشستگی بود. پیشنهاد می‌شود ارگان‌های مسئول به درخواست بیمه و بازنشستگی زنان توجه ویژه‌ای داشته باشند؛

* با توجه به اینکه قسمتی از حل مسئله اشتغال در کشور از راه حمایت و پرورش کسب‌وکار زنان امکان‌پذیر است، پیشنهاد می‌شود گروهی زیر نظر یکی از سازمان‌های متولی ایجاد شود و کسب‌وکارهایی را که دچار شکست و تعطیلی شده‌اند شناسایی و در جهت کمک به احیای آن گام برمی‌دارند.

تعارض منافع

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد خانم فاطمه علی‌نژاد در رشته کارآفرینی-کسب‌وکار با عنوان «واکاوی عوامل مؤثر بر پایداری کسب‌وکارهای زنان در شهرستان بهبهان» است که در آن هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

References

- Ahmadi Kafeshani, A., Nouri, P., & Talebi, K. (2018). Knowledge Transfer Process in Family Businesses: A grounded theory approach. *Journal of Entrepreneurship Development*, 11(2), 201-220. <https://doi.org/10.22059/jed.2018.257246.652583> (In Persian)
- Alessa, N. A., Shalhoob, H. S., & Almugarry, H. A. (2022). Saudi Women's Economic Empowerment in Light of Saudi Vision 2030: Perception, Challenges and Opportunities. *Journal of Educational and Social Research*, 12(1), 316-316. <http://dx.doi.org/10.36941/jesr-2022-0025>
- Amini, A. M., & Safari Shali, R. (2002). Evaluation of the Effect of Training on Performance of the Poultry Cooperatives. *Journal of Water and Soil Science*, 6(2), 17-28. [Doi:20.1001.1.24763594.1381.6.2.2.1](https://doi.org/10.24763594.1381.6.2.2.1) (In Persian)
- Arevalo, J. A., Castelló, I., de Colle, S., Lenssen, G., Neumann, K., & Zollo, M. (2011). Introduction to the special issue: integrating sustainability in business models. *Journal of Management Development*, 30, 041-964. DOI: [10.1108/02621711111182466](https://doi.org/10.1108/02621711111182466)
- Bahadori, A. (2018). Qualitative Research Foundation data, "encoded" and the importance, process and method of its execution interns educators. *Journal*

of New Strategies for Teavher Education, 4(5), 69-88. Doi: [20.1001.1.26457156.1397.4.5.4.7](https://doi.org/10.1001.1.26457156.1397.4.5.4.7) (In Persian)

- Bijani, M., Mohammadi-Mehr, S., & Shiri, N. (2022). Towards rural women's pro-environmental behaviors: Application of protection motivation theory. *Global Ecology and Conservation*, 39, e02303. doi:10.1016/j.gecco.2022.e02303
- Bocken, N. M., Short, S. W., Rana, P., & Evans, S. (2014). A literature and practice review to develop sustainable business model archetypes. *Journal of cleaner production*, 65, 42-56. <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2013.11.039>
- Božić, L. (2011). Marketing innovations in Croatia. *Market*, 23(1), 63-72. <https://hrcak.srce.hr/74452>
- Doane, D., & MacGillivray, A. (2001). Economic sustainability: The business of staying in business. *New Economics Foundation*, 1-52. <https://pdf4pro.com/amp/view/economic-sustainability-the-business-of-staying-in-1a1e41.html>
- Faghihi, A., Vaezi, R., & Aghaz, A. (2010). Bureacracy and Culture in Iran. *Iranian Journal of Management Sciences*, 5(19), 1-31. <https://sid.ir/paper/130397/en> (In Persian)
- Ge, T., Abbas, J., Raza Ullah, A. A., Sadiq, I., & Zhang, R. (2022). Women's entrepreneurial contribution to family income: innovative technologies promote females' entrepreneurship amid COVID-19 crisis. *Frontiers in Psychology*, 13, 828040. doi: 10.3389/fpsyg.2022.828040
- Gholami Avati, R., Nazok Tabar, H., & Namdar, A. (2010). Women Business Institutions and their Role in Constant Development in Mazandaran Province. *Women Studies*, 1(1), 133-156. https://womenstudy.ihs.ac.ir/article_100.html?lang=en (In Persian)
- Hassas Yeganeh, Y., Babajani, J., Taghavifard, M. T., & Arianpoor, A. (2018). Business Sustainability Performance Model in Iran. *Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge*, 7(27), 181-204. https://jmaak.srbiau.ac.ir/m/article_12910.html?lang=en (In Persian)
- Hoseinzadeh, F., Ahmadpour, A., & Shahraki, M. R. (2021). Factors affecting the Sustainability of Rural Businesses Launched by Women Who Are Members of Microcredit Funds in Mazandaran Province. *Journal of Research and Rural Planning*, 10(4), 77-99. doi:10.22067/JRRP.V10I4.2012.1000

- Hosseiniinia, G., Yaghoubi Farani, A., & Seyedin, R. (2014). Measuring factors affecting Female entrepreneur's business performance in rural areas of Mianeh County. *Woman in Development & Politics*, 12(4), 545-558. doi: [10.22059/jwdp.2014.54534](https://doi.org/10.22059/jwdp.2014.54534) (In Persian)
- Jamini, D., Taghdisi, A., Alipoor, K., & Faizi, S. (2015). Factor analysis of hindering and drawing variables of Entrepreneurship Development among Rural Women in Iran: Case Study of Ravansar Township. *Women's Studies Sociological and Psychological*, 13(1), 63-88. doi: [10.22051/jwsps.2015.1914](https://doi.org/10.22051/jwsps.2015.1914) (In Persian)
- Karamat, R., Abbasi, R., & Fallah, M. R. (2022). Providing a Framework for Women to Enter the Family Business. *Woman in Development & Politics*, 20(1), 87-108. doi: [10.22059/jwdp.2021.331068.1008085](https://doi.org/10.22059/jwdp.2021.331068.1008085) (In Persian)
- Khojir, Y., & Khaniki, H. (2019). Possibility and refusal of dialogue cyberspace (With an emphasis on virtual social networks). *Cultural Studies & Communication*, 15(54), 51-76. doi: [10.22034/jcsc.2019.35581](https://doi.org/10.22034/jcsc.2019.35581) (In Persian)
- Maas, K., Schaltegger, S., & Crutzen, N. (2016). Integrating corporate sustainability assessment, management accounting, control, and reporting. *Journal of Cleaner Production*, 136, 237-248. <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2016.05.008>
- Masti, E., & Fakhrayi, S. (2014). The study of the relationship between women's employment and their social health in Maragheh. *Sociological studies*, 7(24), 117-133. https://jss.tabriz.iau.ir/article_523457.html?lang=en (In Persian)
- Mousavi, H., & Maghol, A. (2016). The Significance of Skill Training on Business Environment in Khorasan-Razavi Province, Iran. *Journal of Skill Training*, 4(16), 109-126. (In Persian)
- Niazkar, F., & Review, A. L. (2011). Study of Barriers to Women's Entrepreneurship Development among Iranian Women (Case Entrepreneur Women). *International Journal of Economics and Management Engineering*, 5(12), 1115-1119. doi.org/10.5281/zenodo.1329414
- Rafiei, S., Fathi, S., & Shiri, T. (2020). Investigating the fields of entrepreneurship development from the perspective of women entrepreneurs in Gilan province. *Journal of Iranian Social Development Studies*, 12(2), 117-129. https://jisds.srbiau.ac.ir/article_16084.html?lang=en (In Persian)

- Rambod, E., & Mokhtarpour, M. (2020). Sociological Study of the Impact of Women's Employment on Social Development in Iran (Case of Study: Women Home Business Owners in 16th and 19th Districts of Tehran). *Journal of Iranian Social Development Studies*, 12(47), 133-158. https://jidsd.srbiau.ac.ir/article_16099.html?lang=en (In Persian)
- Robinson, J., Blockson, L., & Robinson, S. (2007). Exploring stratification and entrepreneurship: African American women entrepreneurs redefine success in growth ventures. *The ANNALS of the American Academy of Political and Social Science*, 613(1), 131-154. DOI: 10.1177/0002716207303586
- Saebnia, S., & Karimi, F. (2020). A survey the Impact of Corona Disease (Covid-19) on Business Performance of Small and medium businesses of Ardabil province. *Journal of Accounting and Management Vision*, 3(24), 83-93. http://www.jamv.ir/article_107624.html?lang=en (In Persian)
- Salouneh, S., Saketi, P., & Purmahdi, K. (2020). Investigating Strategies for growth Iranian Women's Small and Medium enterprises Market. *Consumer Behavior Studeis*, 7(1), 47-71. <https://doi.org/10.34785/J018.2020.732> (In Persian)
- Shiri, N. (2021). Attitude toward organic agribusiness: an approach to developing sustainable business. *British Food Journal*, 123(10), 3265-3276. <https://doi.org/10.1108/BFJ-02-2021-0166>
- Shiri, N., & Alibaygi, A. (2015). Identifying entrepreneurial motivations of agricultural students: application of multidimensional scaling (Case study: Campus of agriculture and natural resources, Razi University). *Iranian Journal of Agricultural Economics and Development Research*, 46(2), 347-362. doi: 10.22059/ijaedr.2015.54901 (In Persian)
- Shiri, N., & Jafari-Sadeghi, V. (2022). Corporate social responsibility and green behaviour: Towards sustainable food-business development. *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*, 30(2), 605-620. <https://doi.org/10.1002/csr.2377>
- Shiri, N., Khoshmaram, M., Rezaei, A., & Zarafshani, K. (2021). Effect of Psychological Empowerment Dimensions on Entrepreneurial Behavior among Rural Women: A Model for Promoting the Role of Women in Economic Development. *Woman in Development & Politics*, 19(4), 573-593. doi: 10.22059/jwdp.2021.320547.1007977
- Shiri, N., Mehdizadeh, H., Khoshmaram, M., & Azadi, H. (2022). Determinants of entrepreneurial alertness: towards sustainable agribusiness

development. *British Food Journal*, 124 (7), 2279-2298. <https://doi.org/10.1108/BFJ-07-2021-0825>

Soleimani, E., Nooripour, R., Ahmadi, H., & Moeini, M. (2020). The Investigation the Impact of Personality Characteristics Personality Traits and Job Success with the Mediating Role of Job Engagement among Employees University of Mohagheh Ardabili. *Career and Organizational Counseling*, 12(42), 49-72. doi: 10.52547/jcoc.12.1.49 (In Persian)

Varkianipor, N., & Ashrafi, M. (2020). The entrepreneurial modeling of women is based on the entrepreneurial value chain with a sustainable social development approach in the province of Gulistan. *Journal of Geographical Sciences*, 20(58), 139-161. DOI: 10.29252/jgs.20.58.139 (In Persian)

Wanjiku Njogu, S. (2016). Factors Affecting Sustainability of Women Enterprises: Insights from Kapsabet Town (KT) Experience, Kenya. *Humanities and Social Sciences*, 4 (4), 90-99. doi: 10.11648/j.hss.20160404.12

Weber, M. (1968). *Bureaucracy*. In *Economy and society: An outline of interpretive sociology*, ed. Guenther Roth and Claus Wittich:956-1005. New York: Bedminster Press.

Wube, M. C. (2010). *Factors affecting the performance of women entrepreneurs in micro and small enterprises*. A Thesis Presented in Partial Fulfillment of the Requirements for Degree of Master of Arts in Technical and Vocational Education Management. Bahir Dar University. <https://unevoc.unesco.org/e-forum/thesis%20final.pdf>.